

## ۱۱ سپتامبر و سینمای اسلام‌هراسی

موج تولیدات اسلام‌هراسانه در هالیوود در آخرین سال‌های قرن بیستم رشدی تصاعدگونه به خود گرفت و با حادثه ۱۱ سپتامبر روند خود را تا اواخر دهه اول قرن بیست‌ویکم ادامه داد.

اسلام‌هراسی در هالیوود پس از گذشت یک دهه تا حدی از آن شکل عیان خود فاصله گرفت، گویی هالیوود قصد داشت افکار عمومی را برای ایفای تکلیف بزرگ آماده کند.

دهه ۹۰ میلادی و پیش از آغاز هزاره سوم موجی از فیلم‌های اسلام‌هراسانه در هالیوود به تولید رسید که شاخص‌ترین آن فیلم دروغ‌های حقیقی ساخته پدیده فیلمسازی آن دوران هالیوود بود. کامرون مدتی قبل دوگانه ترمیناتور را ساخته بود و در قله فیلمسازی هالیوود قرار داشت. دروغ‌های حقیقی یک اکشن جذاب بود که همه کاراکترهای منفی و ثرورستر آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند. او از آرنولد شوارتزگر ستاره آن زمان هالیوود که در دو گانه ترمیناتور درخشیده بود دوباره بهره برد. دروغ‌های حقیقی همه قواعد یک فیلم فیلم سفارشی را دارا بود و پنتاگون توانسته بود بهترین فیلمساز هالیوود را برای پروژه سیاسی خود به استخدام آورد. اسلام‌هراسی البته پیشینه‌ای دیرین در هالیوود داشت؛ پیشتر و در اواخر دهه ۸۰ میلادی در قرن بیستم این رومن پولانسکی بود که در فیلم فرانتیک ثروربست‌های مسلمان را به دنبال انفجار مجسمه آزادی به وسیله بمب اتمی فرستاد. دو دهه بعد فیلم در جست‌جوی عمل آنجیلینا جولی در قالب یک دم عاشقانه به توجیه قتل عام مسلمانان بوستنی از سوی صرب‌ها پرداخت. داستان این فیلم در باره رابطه عاشقانه یک مرد صرب با یک زن یونانیایی بود. فیلم‌های ایران‌هراسانه رانیز باید به نوعی در قالب همان پروژه اسلام‌هراسی دسته‌بندی کرد چراکه اساساً ایران تنها نماینده واقعی و اصلی اسلام سیاسی بود و واهمه این وجود داشت که به عنوان یک الگو به کشورهای دیگر منتقل شود.

پیشتر و در سال ۱۹۹۱ فیلم بدون دخترم هرگز با موضوع ایران‌هراسی تولید شده بود. هالیوود دو دهه بعد فیلم ضدایرانی ۳۰۰۰ تولید کرد که بیشتر از آنکه از دل آن ایران‌هراسی بیرون بیاید، نوعی عقده‌گشایی سینمایی علیه تاریخ باستان ایران بود. این فیلم ساخته کارگردان پهلوی «ژاک اسنایدر» باالهام از جنگ تاریخی «تروویل» در سال ۴۸۰ پیش از میلادی، نبرد ۳۰۰ سرباز یونانی با لشکر «خشایار شاه» را به شکلی وارونه روایت می‌کرد و خشایار شاه را پادشاهی زنیاره و سربازان ایرانی را موجوداتی «یواسا»، «خونخوار»، «وحشی» و «غار تگر» به تصویر در آورده بود. توهین و حسرت به تاریخ باستانی ایران و ایرانیان در این اثر سینمایی، به حدی بود که واکنش سریع رسمی و غیررسمی ایرانیان در سراسر جهان را برانگیخت و سازندگان و گردانندگان پشت صحنه این اثر هالیوودی را سرگردان کرد.

«سنسگار نامه» محصول ۲۰۰۸ دیگر آثار سینمایی ساخت هالیوود با تانگه «ایران‌هراسی» بود که می‌کوشید در قالب داستانی پرکشش و عاطفی تصویری متوحش از ایرانیان نشان دهد. زمان وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ دهه آخر قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم را به کانون تولیدات اسلام‌هراسانه سینمایی هالیوود تبدیل کرد و عطش اسلام‌هراسی پس از آن تا حدی فروکش کرد اما تاالان هیچ گاه گرمای خود را از دست نداده است.

## دیدهبان

## «چندصدایی» آسپیی جدی برای گسترش زبان فارسی است

چندصدایی آسپیی جدی در گسترش زبان فارسی است، تصام ظرفیت‌های فعال حوزه زبان فارسی کشور باید به صورت هدفمند در یک مجموعه مشخص متمرکز شود. محضر صائقی، نماینده نایب‌رئیس‌سعدی در عراق و مسئول بخش علمی و دانشگاهی ایزتی فرهنگ ایران با بیان این مطلب به تسنیم، گفت: باید تمام ظرفیت‌های فعال حوزه زبان فارسی کشور به صورت هدفمند در یک مجموعه مشخص متمرکز شود و نخبگان و صاحبان این حوزه در یک شرایط سازنده و اثرگذار در محیطی تخصصی و علمی برای تحقق هدف مهم گسترش زبان فارسی در جهان برنامه‌ریزی منظم و یکپارچه داشته باشند. وی افزود: معرفی فرهنگ یک سرشار از معرفت ایران در ابعاد دینی، اقتصادی، مدنی و اجتماعی که عقیده‌ای تاریخی و قابل استناد دارد، در گرو عبور از دیپلماسی رسمی و روی آوردن به دیپلماسی علمی و فرهنگی است.

تالاری در ادامه آموزش زبان را جزو عناصر بسیار مهم دیپلماسی علمی و فرهنگی توصیف کرد: کشورهای قدرتمند حتی به‌لحاظ اقتصادی به این مسئله مهم اهتمام دارند و گسترش زبان را به مؤلفه‌های مهم قدرت نرم در کشورها می‌دانند و از آن بسیار بهره می‌برند و مصادیق آن در کشور ما نیز بسیار دیده می‌شود. نماینده بنیاد سعدی در عراق با اشاره به علت تشکیل بنیاد سعدی و مأموریت گسترش زبان فارسی در جهان عنوان کرد: وقتی ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه یک بنیاد را با وظایف مهمی که هدف اصلی آن گسترش و آموزش زبان فارسی در جهان است، به تصویب می‌رسانیم، یعنی همه دستگاموس و مجامع مرتبط با این موضوع مهم به یاری هم بیایند.

نوید دری همزمان با روز ملی سینما :

## پدرم دغدغه وحدت قومی و استقلال ملی در سینما و تلویزیون داشت

کنیم. ایشان دوست داشتن این مفهوم را در آثار خودشان نشان دهند و بگویند که دشمنان این کشور از قبیل استعمارگران، هرچقدر در تمام قرون گذشته تلاش کردند این همبستگی را از بین ببرند، نتوانستند کاری انجام دهند. وی ادامه داد: علت اینکه ایشان را تحریم کردند برمی‌گشت با مفیای سینمای دهه ۶۰ و مدیریت آقای انوار. به ایشان گفتند که شما ضعیف می‌نویسی! با این حساب باید گفت که «کیف انگلیسی» یکی از آثار ضعیف ایشان بوده که جزو آثار ماندگار تلویزیون شده است!

آقای بهشتی و انوار حکم مرد خوب و مرد بد را داشتند اما هر دویشان در وی یکی سک بودند. در سال ۱۳۶۶ فیلمنامه «کلاه پهلوی» را آقای زم، مدیریت وقت حوزه هنری از ایشان خرید و گفت که شما صلاحیت ساخت این فیلم را ندارید. همان موقع در حوزه هنری مخملباف و جریان او فیلم می‌ساخت و اجازه نمی‌داد که پدر من در آنجا فیلم بسازد و برای خودش رقیب درست کند. دری افزود: پدر من در سال ۱۳۵۹ در ایران و جزو انقلابیون نبوده اما فکر انقلابی داشت و از خیلی از آقایان به استناد آثارش انقلابی‌تر بوده است. همین افراد به پدرم به عنوان چهره ضدانقلاب و نامتدین نگاه می‌کردند، در حالی که خانواده به شدت معتقد و متدینی داشته است.

حوزه فیلمنامه کیف انگلیسی را خرید که نلسازد و کسی هم نمی‌ساخت، چون سِر کسبی در آن نمی‌کرد. تمام این مشکلات برای این بود که ایشان حرفی می‌زد که آقایان دوست نداشتند و آن هم نشان دادن دست‌های بیگانگان ایران اداره کشور و استعمارگران بود.



## روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاعات میزبای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
تولیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۳۰۰ | دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۰ | ۶ صفر ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۳:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۱ | اذان مغرب: ۱۹:۳۳ | نیمه شب مشرعی: ۰۱:۰۸ | اذان صبح فردا: ۵:۲۱ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۰۶

# چالش خلق کاراکتر در تولید نوشت افزار ایرانی

خلق کاراکتر علاوه بر نقش سفیر فرهنگی برای فرهنگ مبدأ، یک آوردگاه مالی بزرگ و مولد صنایع فرهنگی است



کاراکترهای جذاب ایرانی مانند کلاه قرمزی یا زیز ی گولو اگر چه برای کودکان و حتی بزرگسالان جذاب بوده‌اند اما به دلیل فانتزی بودن و نشانه‌های کمیک هرگز نتوانسته‌اند شاخصه‌های واقعی یک شخصیت جذاب فرهنگی بسرای درج روی نوشت‌افزار ایرانی باشند و همین باعث شده است چالش خلق کاراکتر همچنان در نوشت‌افزار ایرانی یکی یک دغدغه جدی محسوب شود. اخیراً و به همت مجمع نوشت‌افزار ایرانی – اسلامی نشست تخصصی با موضوع بررسی محصولات فرهنگی و نقش الگوهای یک کودک و نوجوان برگزار شد. این نشست در فروشگاه کتابشهر نوجوان و با حضور اساتید دانشگاهی نادر جعفری ، محمد مهدی ایزدخواه و همچنین محمد یقینی، مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی- اسلامی برگزار شد که همزمان به ارائه مطالب حول کالای فرهنگی و با تمرکز بر نوشت‌افزار به ایراد بحث پرداختند.

**■ درک نشدن اهمیت نوشت‌افزار**

ابتدای نشست محمد یقینی، مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی – اسلامی با تأکید بر اینکه این نشست با نگاه چگونگی اثر گذاری محصولات فرهنگی روی کودک و نوجوان و الگونداری شده است، عنوان کرد: هدف ازاین گونه نشست کارهای نمایشی یا خودنمایی بر ترازای نیست بلکه به‌طور واقعی می‌خواهیم یک صحبت تخصصی و کاربردی برای مخاطبان اصلی یعنی والدین و مربیان پرورشی حوزه کودک و نوجوان داشته باشیم.

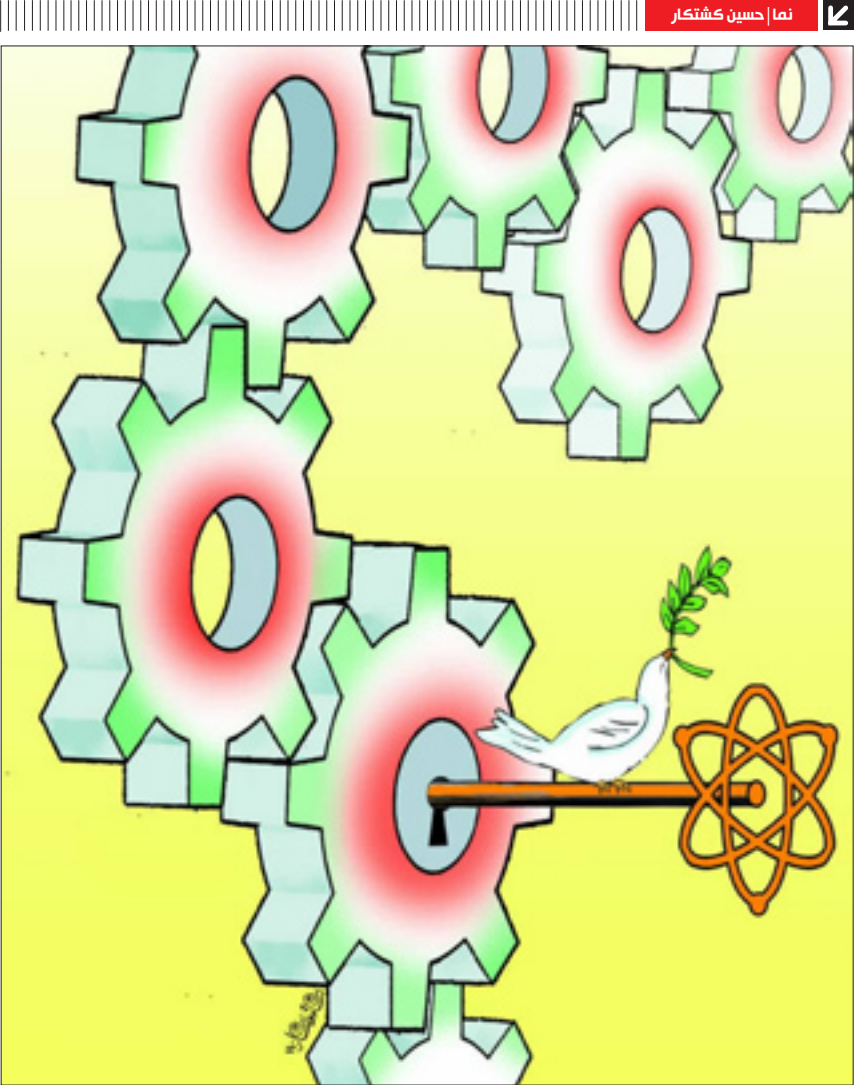
وی ادامه داد: مجمع ایران نوشت در این چند سال خیلی سعی کرده‌است این صحبت‌ها را به گوش مسئولان و مؤثرین جامعه در حوزه فرهنگ برساند ولی هنوز ابهامات و کاستی‌هایی حتی در فهم این موضوع وجود دارد و آن‌طور که شاید باید اهمیت این موضوع محصولات فرهنگی و به تبع آن نوشت‌افزار درک نشده است، البته فعالیت‌های امیدبخشی در سال‌های اخیر بیشتر در مجموعه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد در حوزه پوشاک، اسباب‌بازی و نوشت‌افزار انجام شده که قابل تقدیر است. در ادامه نادر جعفری با ذکر این موضوع که همه ما باید پدر و مادر هستیم یا در وقت خواهیم بود و قطعاً به طور مستقیم درگیر تعامل

## حکمت

پیامبر(ص):

سیر سپاسگزار اجزش همانند روزهداری است که برای خداروزه می‌گیرد، تندرسبٔ سپاسگزار همانند آن اجری را دارد که بیمار شکیبایبخشندہ سپاسگزار همان اجر را دارد که تنگدست قانع.

(کافی ج ۲، ج ۹۴، ۱ح)

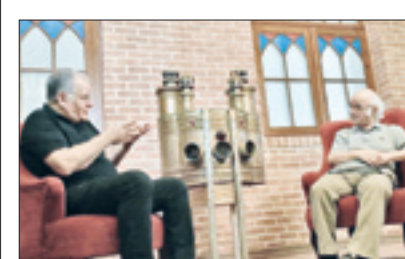


## سینما

رسول صدرعاملی روایت کرد

## حکایت نامه سوخته در لباس افسر عراقی

**در آن نامه خطاب به رزمندگان ایرانی نوشته شده بود: من شما را دوست دارم به سمت شما شلیک نمی‌کنم، فتنگم را به سمت آسمان می‌گیرم**



رسول صدرعاملی، کارگردان سینمای ایران می‌گوید:

در حال ساخت مستند «فتح بستان» در جنوب بوم که نامه‌ای سوخته از داخل لباس یک افسر عراقی به دستم رسید و در آن شعرهای نزار قبانئی برای

سربازان و رزمنده‌های ایرانی نوشته شده بود. دیروز ۲۱ شهریورماه هم‌زمان با روز ملی سینما، موزه سینمای ایران بخش‌هایی از گفت‌وگوی فریدون جیرانی با رسول

صدرعاملی رامنشر کرد. این نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده پیرامون اولین کار سینمایی خود می‌گوید: در حال ساخت مستند «فتح بستان» در جنوب بوم که نامه‌ای سوخته از داخل لباس یک افسر عراقی از یکی از سئگرهای فتح شده توسط رزمندگان ایرانی به دستم رسید که شعرهای نزار قبانئی را برای سربازان و رزمنده‌های ایرانی نوشته شده بود. من فرزند جازیه‌کارگردانی همان فروش است (با خنده).

همین دلیل سراغ عبدالله اسکندری رفتم و عباس گنجوی را در آن فیلم شناختم که مونیتور خوبی بود، پروانه معصومی نیز در این فیلم به معرفی شد. وی ادامه داد: تمامی گروه در پشت و جلوی دوربین همه عالی بودند و بعد از آن برای انتخاب بازیگران سراغ بهترین‌های تئاتر رفتم. جمشید مشایخی، جعفر والی و فقط بیزن امکانیان از گروه ما بود که در آن فیلم به خوبی درخشید. برای تدوین عباس گنجوی و برای موسیقی کامبیز روشن‌روان آمدند که در نهایت شد «گل‌های داودی» و اتفاق عجیب در سال ۱۳۴۳.

صدرعاملی با اشاره به اینکه «گل‌های داودی» در سومین دوره جشنواره فیلم‌منفاوت پس از انقلاب پیاد می‌کنند. وی در بهترین فیلمبرداری، تدوین، موسیقی، بازیگر مرد و بازیگر زن جایزه گرفت اما برای کارگردانی هیچ جایزه‌ای در نظر گرفته نشده بود. یکی از داورها گفته بود چون این فیلم در آکران خوب می‌فرشد جایزه کارگردانی همان فروش است (با خنده).

در ادامه این گفت‌وگو فریدون جیرانی نیز خاطر نشان کرد: برای فیلم «گل‌های داودی» در جشنواره فیلم فجر جمشید مشایخی جایزه بهترین بازیگر مرد، پروانه معصومی اولین بازیگر زنی که پس از انقلاب جایزه گرفت، جایزه بهترین موسیقی متن برای کامبیز روشن‌روان، جایزه بهترین فیلمبرداری برای فیروز ملسکرزاده و جایزه بهترین تدوین را عباس گنجوی گرفت. الان هم همه مسئولان از این فیلم

آبود. همه این فیلم توسط قاضی ریجیواوی (نویسنده ایرانی – بریتانیایی) نوشته شده بود که با فریدون جیرانی درباره آن صحبت شد و او پیشنهاد مجدد ساخت فیلم سینمایی دیگری داد. صدرعاملی با بیان اینکه در آن زمان قرصه ۳۰ هزار تومان خرید بود، خاطر نشان کرد: در «گل‌های داودی» به دلیل نایناب بودن کاراکترها نیاز به یک گرم خاص داشتیم، به بعد از این حل اختلاف گرفته شد.

## کتابت

مجید مجیدی:

## همه فیلم‌های جشنواره‌ای قابل دفاع نیستند



بحث خیلی مهم است و به نظر من مدت‌هاست دچار غفلت‌هایی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اینچنینی شده‌ایم.

رانک درازنده، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز در این میزگرد گفت: وقتی بخواهیم هنر و سینما را ابزاری برای قدرت نرم بدانیم، در اصل، گرفتار حلقه‌ای از مفاهیم از پیش تعیین‌شده می‌شویم، یعنی هنر ابزاری می‌شود در دست سیاستمداران که نیات سیاسی و دیپلماتیک خود را پیش ببرند. فکر و زبان می‌بندد با سوئیت به دنبال برجسته‌کردن جوهر منفی است، در نتیجه فیلمساز ایرانی که در آثارش به فقر، معضلات و مشکلات می‌پردازد، قطعا برای «نپا» فیلم می‌سازد، این موضوع نزد این افراد اصل فرض می‌شود که خطایی بزرگ است.